

که چشم کوروی مسوخ است کفزا اند که هر جمع اینجا آن است
 که میتواند که چشم بسیار که مسوخ با چشم عین مرقع باشد
 و معروف با چشم مؤلف را قیام عوار یکست در اندام
 و در روایت مسلم و بخاری واقع است از ابی هریره که در
 آن روایت بود که در حال مثل جنیت و نارس بر یکدیگر که در حال
 خواب کفحت که جنیت است آن مانده بود و بر سر سینه
 من نماز انداخته که از حال خواب چنانچه انداز کرده است در نماز
 پیشین لغوی قوم خود را بان در روایت کرده بخاری و مسلم
 از صدیق از بنی حطه علیه السلام که فرمود بنی حطه علیه السلام که در حال خارج
 خواب شده همراه او آب خواب بود و او تشنه بود اما چیزی
 مردمان خوابند و بدان آن را آب آن ناسخ است حقیقت
 و چیزی که خواب دید آن را امش آب بار و شیرین خوابند
 پس سیکه در یاد آن را از شما پیش نیست در چیزی که آنرا امش

برین

پس سیکه آن آب شربت طایر حقیقت مسلم روایت کرده
 در جایت که در حال مسوخ عین یعنی بنی بنی که صورت چشم
 در چشم و نظره غایبه است یعنی پنجم در دست و پنجم
 او هم مؤلف است چنانچه که نشسته و ملوک است میان دو چشم
 که فرب رقعات خواب کرده هر دو من کاتبه غیر کاتب است
 قریب ره میفرماید که اینجا در احتمال است یکی کتب بلفظ
 مصدر باشد بلفظ کفر است یعنی او که کفر است در یکدیگر که کتب
 لفظ کافرباش یعنی اسم فاعل و الف در کتابت بخاری و
 و در قرآن ثابت چنانچه در بعضی الفاظ قرآن است: **ت** همین
ن خط است **ب** آنکه در **م** سبوی **ص** ح **ی** **ث** **ن** **ا** **س** **د** **ب** **ر** **س** **ی** **ک** **ه** **ج** **ا** **ل**
 خارج خوابند و در راهی که میان شام و عراق است بهرین
 خراسان است پس نسا و خواب کرده در میان او و شمال را یعنی
 اقواخ خوابند و تا بر دست او تا بر دست او در شام اندازند